

گفتگوی گزارشگران با سیاوش دانشور در باره نشست مشترک احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در شهر کلن آلمان



سیاست آلترناتیو سازی دست راستی و پنتاگونیستی بازارش گرم است. عده ای مرتجع سیاسی با اتکا به پول و سرمایه نهادها و دول غربی، تلاش میکنند از هم اکنون تصویر جایگزین جمهوری اسلامی را بدهند. ناسیونالیستها و کسانی که تا دیروز به امثال من کمونیست و انترناسیونالیست، "وطن فروش" و "نوکر اجنبی" میگفتند، حالا خودشان چهار زانو در مقابل کلاسهای درس دمکراسی و دولت داری و کودتا کردن و حمله نظامی ارتجاع بین المللی سرمایه نشسته اند. پیشروی و پیروزی این تحرکات اساسا به میداننداری سیاست جنگی و قیچی شدن مردم از صحنه سیاست گره میخورد. اگر مردم و طبقه کارگر و آلترناتیو کارگری در میدان باشد اینها شانسی ندارند

.....

گزارشگران

برای تبعیدیان سیاوش دانشور نامی است آشنا. او عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری است و در نشست عمومی احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست در شهر کلن آلمان حضور داشته است. تلاش ما برای انجام گفتگو در این زمینه نتیجه ای مثبت داشت.

سیاوش گرامی سپاس از حضورتان در این گفتگو.

سیاوش دانشور: خیلی متشکرم.

گزارشگران: شما در این نشست حضور داشتید. مجموعا فضا و جو حاکم بر این نشست و گفتگوها را چگونه ارزیابی کردید؟

سیاوش دانشور: فضا مجموعا رفیقانه و سیاسی بود. بعد از سالهای طولانی و بدنبال بن بست و شکست تجاری از این دست، طیف متنوعی از نیروهای چپ جلسه ای حضوری برگزار کردند. همانطور که در جریان هستید، قبل از نشست حضوری یکدوره تدارکاتی سپری شد. جلساتی با حضور هیئت های نمایندگی احزاب و سازمانها و نهادها صورت گرفت که طی آن برسر مشخصات یک اردوی انقلابی بحث و تصمیم به تدارک نشست حضوری و توافق برسر دستور جلسه آن شد. چه در ابتدا و چه در نشست کلن، توقعات و انتظارات متفاوت از این رویداد و تداوم آن وجود داشت و دارد.

روشن است که میان نیروهای سیاسی شرکت کننده در نشست اختلافات سیاسی و واقعی وجود دارد. این فرض همه بود و به این اعتبار کسی برای تشکیل جبهه سیاسی و ائتلاف حزبی به این کنفرانس نیامده بود. بلکه ضرورت زمانه و تشدید قطب بندی چپ و راست در جامعه مبنائی بود که علیرغم این تفاوت‌های سیاسی و نظری، یک اردوی سیاسی سوسیالیست و انقلابی، یک نیروی سوم بتواند در پاسخ به مهمترین مسائل و سوالات پیش‌روی جامعه و قلمروهای جدال طبقاتی ابراز وجود کند. این نقطه عزیمت و ایجاد یک سنگر چپ در تقابل با سنگربندیهای راست، عاملی بود که به اختلافات سیاسی و برنامه ای می چربید و امکان میداد که حسن نیت و احساس مسئولیت سیاسی فاکتوری باشد که در نشست سنگینی کند.

برخلاف برخی تعابیر از این نشست، به نظر من فضا و جو حاکم چه در نشست کلن و چه در نشست های بعدی، نمیتواند بر اساس دادن "تصویر باهم بودن" باشد. این ضرورتی اجتماعی و سیاسی است که نیروهای مختلف و متضادی را دور هم جمع میکند تا در عین برسمیت شناسی تمایزات فکری و برنامه ای حرف اجتماعی و سیاسی واحدی رو به جامعه بزنند. اهمیت نشست کلن در اعلام تعهد برای شکل دادن به یک آلترناتیو سوسیالیستی بود. یعنی در تقابل با اردوهای سرمایه داری و ارتجاعی، که یا میخواهند جمهوری اسلامی را در اشکال دیگری نگهدارند و یا در کنار ائتلاف ناتو و دول امپریالیستی مشغول آلترناتیو سازی از بالای سر مردم برای آینده ایرانند، بحث قد علم کردن یک اردوی سوم، به میدان آوردن یک انتخاب سیاسی انقلابی و آزادیخواهانه، یک آلترناتیو سوسیالیستی را طرح میکرد. آلترناتیوی که به روشنی به اردوهای ارتجاعی نه میگوید و میخواهد مانع تکرار سناریوی عراق و لیبی و سوریه در ایران شود.

ایران آبستن تحولات زیر و رو کننده ای است که سرنوشت و آینده نسلهای متمادی را رقم خواهد زد. اگر نمیخواهیم تجربه انقلاب 57 به معنی محدودیتهای آن انقلاب تکرار شود، ما ناچاریم آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری و انقلابی را به یک نیروی اجتماعی و طبقاتی مدعی قدرت سیاسی تبدیل کنیم. تعهد و اعلام عزم نشست برای ایفای چنین نقشی بسیار مهم است. آینده این پروژه هم دقیقاً به این بستگی دارد که تا چه اندازه به این امر وفادار میماند و یا نمی ماند.

گزارشگران: ترکیب نیروها آیا بیانگر حضور چپ بطور کلی در این مجموعه است. چه معیارهای اولیه ای برای دعوت از نهادهای شرکت کننده موجود بوده است و آیا از همه نیروهای چپ دعوت بعمل آمده است؟

سیاوش دانشور: خیر، نیروهای متشکل مختلفی در نشست حضور نداشتند. اطلاعیه پایانی نشست نیز تاکید دارد که ما بخشی از نیروی گسترده چپ و کمونیست در ایران هستیم. در باره دعوت به نشست حضوری، جهت اولیه این بود که از کلیه جریانات و نیروهای مختلف در طیف چپ دعوت شود. اما این دعوت نمیتوانست عاری از معیار و بقولی دعوتی گل و گشاد باشد. معیارهای نظری صرف هم نمیتوانست برای دعوت جوابگو باشد چون این نیروها به سنت های سیاسی مختلفی تعلق دارند. لذا یک معیار سیاسی که صفتبندیها را در مقیاس جامعه متمایز میکند میتواند تامین کننده یک پرنسپ عام برای دعوت از نیروها باشد. تاکید و توافق این بود که از هر نیروئی که برای سرنوشتی انقلابی کل جمهوری اسلامی تلاش میکند و این سیاست جزو اصول اعلام شده آنست، و همینطور در تقابل با آلترناتیو سازی امپریالیستی و سیاستهای جنگ طلبانه و تحریم اقتصادی خواهان یک آینده و راه حل

کارگری و سوسیالیستی است، میتوان برای نشست دعوت کرد. چه برای احزاب و سازمانهای سیاسی و چه برای نهادها این دو معیار برای دعوت و شرکت در نشست وجود داشته است. در یکمورد همه حضار در جلسه با پیشنهاد دعوت حزب طوفان، که در صورت وقوع جنگ موضعش اینست که در کنار جمهوری اسلامی از "وطن" دفاع میکند، قاطعانه مخالفت کردند. چون دعوت آنها علیه پرنسیپ بنیادی نشست بود. بنابراین هر نیروئی که با این دو پرنسیپ همراه بود، مستقل از سابقه مواضع و تعلق به سنت سیاسی معین، میتوانست در این نشست شرکت کند.

گزارشگران: جای خالی کدام نیروها را میتوان در این تجمع احساس کرد؟

سیاوش دانشور: همه نیروهائی که دو پرنسیپ اصلی این نشست جزو اصول اعلام شده آنهاست. یعنی روشن میگویند که اولاً کل حکومت جمهوری اسلامی باید به طرق انقلابی سرنگون شود و ثانیاً آینده ایران میتواند و باید یک آینده سوسیالیستی و کارگری باشد.

گزارشگران: سه دهه تجربه سی سال تلاش های موضعی ناموفق آیا نتیجه این نیست که از حداقل های چپ باید شروع کرد و نه حداکثر هایش؟ این حداقل ها بنظر شما کدامند؟

سیاوش دانشور: من نمیتوانم از "چپ" بعنوان یک پدیده متعین و تعریف شده واحد حرف بزنم. اما میشود از اردوی چپ جامعه در مقابل اردوی راست جامعه با فرض همه نیروهای مختلف و بخشا متضاد در هر اردو حرف زد. همینطور از نظر من بحث برسر شروع از حداقلها یا حداکثرها نیست. این معیار میتواند برای تشکیل جبهه های سیاسی و حزبی و یا اتحادهای سازمانی و انتزاعی مقطعی موضوعیت داشته باشد. در تجارب مورد اشاره شما نیز همین معیارهای نظری و ایدئولوژیک و بخشا برنامه ای معیار دوری و نزدیکی و انواع اتحاد و انشقاق بوده است. اما برای امری که نشست کلن را ممکن کرد شروع از چهارچوبهای حداقل یا حداکثر نمیتوانند موضوعیت محوری داشته باشند و یا دستکم بنیاد محکمی برای پیشروی آتی آن باشند.

از نظر من مسئله بسیار ابژکتیو و سیاسی است. بیرون دنیای سازمانی و حزبی هر کسی، یعنی در جامعه، این سوال وجود دارد که در تقابل با وضعیت ایجاد شده در منطقه و ایران، نیروی چپ جامعه کجاست و چه نقشی میتواند ایفا کند؟ بعبارت دیگر، در جایی که سیاست آلترناتیو سازی و جایگزینی جمهوری اسلامی طی پروسه های ارتجاعی شتاب میگیرد و بطور مشخص بورژوازی بین المللی از کل ماتریال بورژوازی چه در حکومت و چه در اپوزیسیون برای شکل دادن به یک "آلترناتیو" تلاش و سرمایه گذاری میکند، و هدف اساسی و محوری این آلترناتیو سازی دست بدست کردن قدرت میان لایه های بورژوازی و مصون داشتن وضع موجود از تغییرات انقلابی است، آیا اردوی چپ جامعه و ماتریال واقعی آن حرفی برای گفتن و کاری برای انجام دادن دارد یا نه؟ آیا در این جدال شرکت میکند و یا آنرا به بورژوازی واگذار میکند؟

اگر از این دریچه به مسئله نگاه کنیم، یعنی مسئله امروز و بحث محوری برسر جدال چپ و راست در یک مقیاس اجتماعی است، آنوقت بحث حداقل و حداکثر اشتراکات و یا همکاری نیروها نیز جای واقعی خود را پیدا میکنند. در قبال این اوضاع، عده ای کمونیست و انقلابی با اعلام مواضع و پرنسیپ های سیاسی روشن میگویند که کل جمهوری اسلامی باید به طرق انقلابی سرنگون شود و برای بمیدان آوردن یک آلترناتیو سوسیالیستی تلاش میکنند. این نشست اعلام کرده است که تسلیم راه حلهای دست

راستی نمیشود، با سیاستهای چلبی سازی و آلترناتیو سازی مخالف است و علیه آن بمیدان آمده است. به جامعه میگوید بین جمهوری اسلامی و راه‌های پنتاگونیستی و جنگ طلبانه راه حل آزادیخواهانه و سوسیالیستی ای وجود دارد. با توجه به تحولات و تجارب سالهای اخیر در منطقه و بویژه سرنوشت خیزشهای توده‌ای در منطقه خارومیانه و شمال آفریقا، این نوع هشیاری سیاسی و ایجاد سنگر چپ برای تقابل با راست گام مقدماتی بزرگی است.

و بالاخره، حداقل‌ها برای یک اردوی انقلابی و کمونیست همین معیار عمومی اجتماعی و طبقاتی است: سرنگونی انقلابی کل جمهوری اسلامی و تلاش برای پیروزی کارگر و سوسیالیسم در تحولات ایران. من راجع به تبئین‌ها و چهارچوبهای تئوریک سوسیالیسم سخن نمیگویم، راجع به انتخاب سیاسی و اعلام تعلق اجتماعی و طبقاتی هر نیرو در صحنه سیاسی ایران سخن میگویم. فشرده حرف من اینست: بحث برسر یک پروسه تقطیر و هم‌منظری نیست که در انتهای منطقی آن محصولات بیبار می‌آید، بلکه برسر اینست که ما نیروهائی که با این دو پرنسیپ اردوئی ایجاد کرده ایم، در عین حال که بر تفاوتها اذعان داریم و این تفاوتها را همواره برسمیت می‌شناسیم، در تقابل با اردوهای دست راستی یک موجودیت اجتماعی و واحد رادیکال هستیم.

گزارشگران: دفاع از کارگران ایران با اقدامات مشترک چپ کدام تحول ارتباطی را بدنبال خواهد داشت. منظور ارتباط با مبارزات کارگران است.

سیاوش دانشور: دفاع از مبارزات و خواستههای برحق کارگران یک وظیفه تعطیل‌ناپذیر هر نیروئی است که خود را سوسیالیست و کمونیست میداند. کارگر هم در هر جا انتظارش اینست که بدو این نیروها در دفاع از مبارزاتش بمیدان بیایند. این اقدامات اگر گسترده و قدرتمند و موثر باشد، امیدواری بیشتری ایجاد میکند و بخشا به تعرضی شدن جنبش کارگری کمک میکند. بدرجه‌ای که نیروی اجتماعی چپ از موضع اجتماعی و طبقاتی کارگر به وضعیت امروز و مسائل آن انتقاد دارد و از نظر عملی نبض اش اساسا با کارگر و افت و خیز جنبش کارگری میزند و یکی میشود، دیگر بحث "ما" در دفاع از "آنها" و میزان ارتباط موضوعیت خود را از دست میدهد. جریانات سوسیالیست و کمونیست اگر میخواهند واقعا شایسته این نام باشند، باید فعال و درگیر اعتراضات روزمره کارگران و در تلاش برای قدرتمند کردن افق و راه حل کارگری در قلمرو جامعه باشند. دفاع جمعی از کارگران لازم و مفید و مهم است اما کافی و جوابگوی سوالات کلیدی امروز نیست. کارگر برای قدرتمند شدن باید بتواند بعنوان یک نیروی اجتماعی و آلترناتیو بمیدان بیاید. ما باید آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی را در مقابل جامعه بگذاریم و موانع قدرتمند شدنش را رفع کنیم.

گزارشگران: تحركات جناح راست اپوزیسیون تبعیدی را در چه مرحله‌ای ارزیابی می‌کنید؟

سیاوش دانشور: سیاست آلترناتیو سازی دست راستی و پنتاگونیستی بازارش گرم است. عده‌ای مرتجع سیاسی با اتکا به پول و سرمایه‌نهادها و دول غربی، تلاش میکنند از هم اکنون تصویر جایگزین جمهوری اسلامی را بدهند. ناسیونالیستها و کسانی که تا دیروز به امثال من کمونیست و انترناسیونالیست، "وطن فروش" و "نوکر اجنبی" میگفتند، حالا خودشان چهار زانو در مقابل کلاسه‌های درس دمکراسی و دولت داری و کودتا کردن و حمله نظامی ارتجاع بین المللی سرمایه‌نشسته‌اند. پیشروی و پیروزی این تحركات اساسا به میداناری سیاست جنگی و قیچی شدن مردم از صحنه سیاست گره میخورد. اگر مردم و طبقه کارگر و آلترناتیو کارگری در میدان باشد اینها شانس ندارند.

اما همین سطح از تحرک بورژوازی آنهم در متن اوضاع منطقه خطرناک است و باید قاطعانه با آن مقابله کرد. طبعاً بورژوازی با شیوه ها، ابزارها، توانائی و امکاناتش در جنگ برسر قدرت سیاسی شرکت میکند. این روشها، ماهیتا روشهای کلاسیک بقدرت رسیدن بورژوازی بویژه در کشورهای اختناق زده و اسلام زده اند. ما با بورژوازی برسر روشها و اصول "اختلاف نظر" نداریم چون اساساً اصول و روشها و سنت سیاسی ما کمونیستها و طبقه کارگر فرق میکند و علیه اصول و سنت و روشهای آنهاست. ما با بورژوازی در جنگی درگیر هستیم که تعیین تکلیف نشده است. لذا ما موظفیم بجای تعبیر عرفانی و انتقاد اخلاقی از تحرک بورژوازی، آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر را بمیدان آوریم. راه حلهای ارتجاعی بورژوازی را باید اجتماعاً و در نبردهای مشخص شکست داد. پراتیک انقلابی و سیاست انقلابی و کمونیستی میتواند هم شکست راست را ببار آورد و هم چهارچوب و مؤلفه های اصلی آلترناتیو کارگری را اجتماعی کند. پراتیک انقلابی امروز سرنوشت فردا را رقم میزند.

گزارشگران: آیا روند شکلیابی این مجموعه با شتاب حوادث سیاسی امروزه هماهنگ است؟

سیاوش دانشور: به نظر من نه. وضعیت بحرانی حاضر آمادگیهای بسیار بیشتر و قبلتری را طلب میکند. بروشنی این عدم تناسب مشهود است. دلائل این ناآمدگی متعدد اند و تعبیر مختلفی از آن وجود دارد. اما هرچه هست، در متن اوضاع ملتهب کنونی ما نمیتوانیم به سیاست سرزنش خویش مشغول شویم. اگر نمیخواهیم این جنگ را واگذار کنیم، ناچاریم تلاشمان را بکنیم.

گزارشگران: چه پیامی برای آن کسانی دارید که از بیرون این مجموعه ناظر بر کوشش های شما هستند؟

سیاوش دانشور: شورای نمایندگان منتخب نشست کلن سیاستش اینست که کل این نیرو را بسیج کند و از آنها دعوت به پیوستن کند. من هم به سهم خودم از همه شان دعوت میکنم که ضمن حفظ چهارچوبهای سیاسی و انتقادی و استقلال تشکیلاتی شان به این حرکت بپیوندند و در تحکیم صفتبندی اجتماعی چپ جامعه در مقابل راست جامعه نقش و سهم شان را ایفا کنند. به نظر من کسی که برای یک آینده آزاد و خوشبخت سوسیالیستی برای همگان تلاش میکند، این را هم میدانند که قوی بودن چپ جامعه بهترین بستری است که تحقق آرزوهای انسانی و کمونیستی اش را تسهیل میکند.

گزارشگران: با سپاس از شما و امید که در آینده نزدیک باز هم گفتگویی داشته باشیم

سیاوش دانشور: با تشکر و سپاس متقابل برایتان آرزوی موفقیت و تندرستی دارم.

گزارشگران

بهروز سورن

28.08.2012

www.gozareshgar.com

